

واج آرایی یا نغمه حروف در قرآن کریم و دیوان منوچهر دامغانی مرتضی ذکایی ساوجی

از هنرها و بدایع شعری استاد « ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهر دامغانی » (۱) (م . ۴۳۲ ق) هنری است که برخی محققان آن را جناس استهلالی و واج آرایی و برخی نغمه حروف گفته اند . ما در ادامه این گفتار در چونی و چگونگی واج آرایی و نغمه حروف سخن خواهیم گفت ، اما در همین ابتدا باید گفت این صنعت و هنر بدیعی بیش از آن در آیات قرآن کریم به کار رفته است و منوچهر دامغانی در اقتباس آن از قرآن کریم و کاربرد آن در شعر خود استادی نشان داده است .

قرآن کریم به عنوان منبعی فیاض و حیاتی بر آثار شاعران و ادیبان عربی و پارسی تاثیر فراوان گذاشته است . زیرا آیات قرآن صرف نظر از اشتمال و احتوای آن بر معانی بلند و عمیق در هستی شناسی ، انسان شناسی ، معادشناسی ، تاریخ ، فقه ، عرفان ، فلسفه و بسیاری موضوعات علمی دیگر به خاطر پرداخت ادبی آهنگین آن از همان آغاز نزول مورد توجه ادیبان و سخن شناسان عرب و عجم قرار گرفت ، تا حدی که عده ای از رجال مکه در ابتدا سخن پیامبر را نوعی شعر و خود پیامبر را شاعر می دانستند « بل قالوا اصغاث احلام بل افتراه بل هو شاعر » سوره انبیاء آیه ۵ ، بلکه گفتند (آن سخنان) از خوابهای پراکنده و باطل است (بعدگفتند) نه سخن از خود ساخته (بعد گفتند) نه شاعر است (۲) که این معنا از سوی قرآن کریم تکذیب شد « و ما علمناه الشعر و ما ینبغی ان هو الا ذکر و قران مبین » سوره یس ، آیه ۶۹ ، « ما به محمد شعر نیاموختیم و سزاوار او هم نیست ، (آنچه او می آورد)

یاد خداست و قرآن آشکارا و پیدا » (۳)

اعراب حجاز با آن سابقه دیرین در شعر و شاعری وقتی آیات منظوم و زیبایی قرآن کریم می شنیدند به پیامبر (ص) اتهام شاعری می زدند مثلاً این آیه سوره طلاق را :
و من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب ، طلاقه آیه که مانند بیتی است در بحر متقارب مثنی محذوف (فعولن ، فعولن ، فعولن ، فعولن ، فعل) سروده شده است .

این چنین بود که علاوه بر تاثیر معنی عمیق و ژرف قرآن کریم بر روح و جان انسانها صبغه ادبی و آهنگین قرآن نیز مورد توجه و استقبال شاعران و ادیبان مسلمان قرار گرفت و در شعر و نثر عربی و پارسی تاثیر فراوان گذاشت .

در این مقاله ، نگارنده تنها در پی یکی از هنرهای ادبی است که از طریق قرآن کریم بر شعر شاعران عربی (۴) و پارسی به خصوص در اشعار استاد منوچهر دامغانی تاثیر فراوان گذاشته است . این هنر یا صنعت ادبی را می توان « واج آرایی ، جناس استهلالی یا نغمه حروف نام نهاد » اگر هم این هنر بدیعی پیش از قرآن کریم در بین شاعران رایج بوده یا سابقه داشته ناقض ادعای نگارنده نمی باشد ، چون احتمالاً استفاده شاعران و ادیبان ، مسلمان از آثار محدود و غیر دسترس قبل از قرآن بسیار کمتر از استفاده و اقتضا به قرآن کریم است که همواره مورد استفاده مسلمانان بوده و قرائت روزانه آن در حکم عبادت محسوب می شده است و برخی از شاعران مسلمان همچون حافظ شیرازی آن را از بر داشته اند .

عشقت رسد به فریادگر تو سبان حافظ قرآن زبر بخوانی با چاره روایت
نغمه حروف یا واج آرایی چیست ؟

نغمه حروف یا واج آرایی که نوعی از صنعت جناس است (جناس استهلالی) ، چنان است که شاعر یا نویسنده یکی از صامت ها را به منظور زیبایی کلام خود تعدماً زیاده تر از معمول به کاربرد و یا نقداً واژه هایی را در شعر یا در کلام خود به

کاربرد که با صامت واحدی شروع می شوند. استاد احمد سمیعی درباره این هنر نو شته اند: «این هنرگامی به صورت تفوق بارز یکی از صامتها یا واژه هایی که با صامت آغازی واحد در مصراع یا بیت خودنمایی می کند» (۵) مثلاً در این بیت حافظ:

بهای نیم کرشمه هزار جان طلبند نیاز اهل دل و ناز نازنینان بین

|n| ۱۰ بار تکرار شده و چهار کلمه مصدر به «ن» آمده است، |z| نیز ۴ بار تکرار شده است.

و نیز این بیت حافظ:

زلف بر باد مده تا ندهی بر بادم ناز بنیاد مکن تا نکنی بنیادم

که در آن |b| و |d| هر یک ۶ بار آمده اند.

و نیز در این ابیات از سلمان ساوجی:

یک شب از دیده مسا نیست خیالت خالی

شب روز و شب همه شب در پی شب پیمانی است. (۶)

که در آن |s| ش ۵ بار تکرار شده است

تو گرد کسی گرد که او گرد تو گردد

تو یار کسی باش که او یار تو باشد (۷)

که در آن چهار کلمه مصدر به |G| آمده است.

استاد دکتر پرویز ناتل خانلری اصطلاح و «نغمه حروف» را برای این صنعت بکار برده (۸) و استاد حسینعلی هروی نیز «نغمه حروف» را بر «واج آرایی» ترجیح داده اند (۹). آقای مسعود فرزاد از مصححان دیوان حافظ اصطلاح نغمه حروف یا واج آیی را معادل «Alliteration» در زبان انگلیسی داشته اند. (۱۰)

این صنعت البته انواع دیگری هم دارد و بحث در گونه های مختلف آن می تواند نسل جذابی را در بدیع فارسی بگشاید (۱۱). مثلاً گاهی ۱ - تکرار ساعت خاص در شعر یا کلام ۲ - شروع چند واژه با صامت واحد مورد نظر شاعر است و گاهی تکرار

نوعی مشخصه تمایز دهنده دیگری در نظر شاعر یا نویسنده است. ۳ - تکرار حروف دولبی مانند |m| و |b| - تکرار حروف لثوی مثل |t| و |d| - ۵ - تکرار صفت خیشومی (غنه) مانند |m| و |n| و تکرار بعضی تمایز دهنده های دیگر ۶ - تکرار حروف قریب المخرج مثل |R| و |L| (ر) و (ل) بیشتر این انواع در این بیت از حافظ مورد استفاده قرار گرفته است:

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد

وجود نازکت آزرده گزند مباد

که در آن علاوه ۵ بار تکرار |z|، صفت خیشومی (غنه) |m| و |n| ۹ بار تکرار شده است و حروف دولبی |b| و |m| هفت بار تکرار شده و حروف لثوی |d| و |t| ۱۰ بار تکرار شده است.

در این جا تأملی باید تا واج آرایی و نغمه حروف را در قرآن کریم بررسی کرده و تأثیر آن را بر شعر استاد منوچهری دامغانی نشان دهیم.

در سوره انبیاء آیه ۸۷ می خوانیم: «و ذَالْتُونَ إِذْ ذَهَبَ مَغَاطِباً فَظَنَّ أَنْ كُنْ تَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»

این آیه که از آیات مشهور قرآن کریم بوده و در رکعت اول نماز غفلیه نیز خوانده می شود: در باره حضرت یونس (ع) و گرفتار شدن او در شکم ماهی نازل شده است. یعنی «یادکن (ای محمد) آن مرد ماهی را که خشمگین برفت و پنداشت که ما بر او قادر نیستیم (ندانست که ما بر او چه تقدیر کرده ایم) تا در تاریکی شب بانگ بر گرفت (در دریا و در دل ماهی) که نیست خدایی جز تو خدای یگانه، پاکی تو از ستم کاری، من از ستمکارانم». در این آیه صامت |z| ۷ بار و |n| ۱۶ بار تکرار شده است.

مدتها قبل در کتابی خواندم که یک تحقیق علمی در باره صدای ماهیان نشان داد. طنین صدای ماهیان شبیه صدای |z| بود. تکرار زیبا و مطمئن |z| در آیه شریفه

علاوه بر ذکر داستان ذوالنون پیامبر در شکم ماهی فضای حاکم بر محل وقوع آیه را نیز در ذهن خواننده به تصویر می کشد. اکنون به شعر استاد منوچهری دامغانی گوش دهیم. در مسمط مشهور خزانیه منوچهری توانسته با تکرار تعدی صامت **|z|** صدای وزوز باد پاییزی را در لابلای برگهای زرد درختان به گوش جان خواننده القاء کند:

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است

آن برگ رزانست که بر شاخ رزانست

گویی به مثل پیرهن رنگرزان است

دهقان به تعجب سر انگشت گزان است

کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلنار

|z| در این بند ۱۰ بار تکرار شده است. علاوه بر آن در بیت اول ۵ واژه مصدر به «خ» تکرار شده «خیزید، خز، خزان، خنک، خوارزم» که صدا و احساس خش خش برگان خشکیده درختان را در پاییز در ذهن و جان خواننده می دواند. علاوه بر اینها تکرار **|g|** «گ» نیز (۸ بار) در این بند جالب توجه است.

البته به غیر از واج آراییی یا جناس استهلالی انواع دیگری از صنعت جناس در این اشعار به کار رفته است. مثل جناس لاحق در خز و خیز و جناس زائد در خز و خزان و جناس شبه اشتقاق در خیزید و خزان، که فعلاً در این گفتار جای بحث همه آنها نیست.

منوچهری دامغانی در مسمط دیگری که در تهنیت عید و مدح وزیر سلطان مسعود سروده با کاربرد صامت **|z|** هنر واج آراییی خود را به اوج رسانده است.

نوروز بزرگم بزن ای مطرب امروز زیرا که بود نوبت نوروز به نوروز

بر زن غزلی، نغز و دل انگیز و دل افروز ورنیست ترا بشنو و از مرغ بیاموز

کاین فاخته زین گوز و دگر فاخته زان گوز بر قافیه خوب همی خواند اشعار (۱۴)

|z| در این بند مسمط ۱۸ بار تکرار شده است.

به نظر نگارنده سطور، استاد منوچهری دامغانی این چنین تکرار آهنگین **|z|** را از آیات قرآن کریم اقتباس کرده است. آیاتی مثل این کریمه سوره انعام: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى، آیه ۱۶۴».

واج آراییی «س» **|s|**:

در آیات سوره ناس تکرار زیبای «س» قابل توجه است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، مَلِكِ النَّاسِ، اِلٰهِ النَّاسِ، مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ، الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» صدای **|s|** در این سوره ۱۲ بار (۱۱ بار س، یک بار ص) تکرار شده است. مفسر فقید قرآن آیت الله سید محمود طالقانی (م. ۱۳۵۹ ش) در باره طنین «س» در تصویرگری فضای حاکم بر آیات نوشته است: «امواج حرکات و سکانات متنوع، صدای برخورد نون مشدد و طنین سین که در فصول این آیات آمده، جوی از برخورد و معرکه ای را می نمایاند که میان نیروهای خیر و شر در میدان نفس انسانی در گرفته است و حرکات صوتی و هیأت فعل یوسوس ادامه این معرکه را اعلام می نماید، معرکه ای که جن و انس را در برابر صفات رب میدان میکشد. من الجنة والناس» (۱۵)

واج آراییی «س» در دیوان منوچهری فراوان است مثل این ابیات از قصیده بهاریه او:

نو بهار آمد و آورد گل و یاسمنا باغ همچون تبت و راغ سبان عدنا

آسمان خیمه زد از یرم دیبای کیود میخ آن خیمه ستاک سمن و نسترنا

سمن سرخ سبان دو لب طوطی نر که زبانش بود از زر زده درد هنا

ثوب عنائی گشته سلب قوس قزح سندس روی گشته سلب یاسمنا (۱۶)

در این ابیات علاوه بر تکرار ۱۶ بار **|s|**، هشت واژه مصدر به **|s|** به کار رفته است.

«سناک، سمن ۲ بار، ثوب، سلب ۲ بار، سندس»

یا در این ابیات در وصف خزان و مدح سلطان مسعود غزنوی:

دخترکان بیست بیست خفته به هر سو	پهلوی بنهاده بیت بیت به پهلوی
گیسو در سبّه بیت بیت به گیسو	گیسوانشان سبز و گیسو از بر زانو
هر یکی از ساعدین مادر و بازو	خوبیشت به اکحل و قیغال (۱۷)

| s | ۱۴ بار تکرار شده است.

واج آرایی (ق) و (غ):

در آیات سوره فلق صامت | ق | هفت بار تکرار شده است. این در حالیست که | ق | از حروف کم بسامد در عربی و فارسی است: «قل اعوذُ برب الفلق، من شر ما خلق، و من شر غاسقٍ اذا وقب، و من شر النفاسات فی العقد و من شر حاسدٍ اذا حسد» در سوره مبارکه «ق» نیز ۵۶ بار فقط حرف «ق» تکرار شده است. مثلاً در این آیات: «ق و القرآن المجید» آیه اذ تَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ و عَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ آیه ۱۷، منوچهری دامغانی نیز در ابیات زیر از یکی از مسمط‌های خود صامت «ق» | g | را ۶ بار تکرار کرده است.

گذری گبر از آن پس به سوی لاله ستان	طوطیان بین همه منقار به بر خفته ستان
هر یکی همچو یکی جام در او غالیه دان	بالش غالیه دانش را میلی به میان
میل آن غالیه پر غالیه غالیه دان	زین نشان هر چه بیابی به من آور یکبار (۱۸)

و در این بیت:

مرغ در باغ چو معشوقه سرکش گشته است
که ملک را سزد از وی بدهد جام عقار (۱۹)

و در این بیت:

هر سرخ گل از بید جناغی دارد	هر قمر یکی قصد به باغی دارد (۲۰)
-----------------------------	----------------------------------

و مثال از حافظ شیرازی:

مقام امن و می بیفش و رفیق شفیق

گرت مدام میسر شود ز می توفیق

که در آن حرف کم بسامد «ق» ۵ بار آمده، در عین حال چهار کلمه مصدر به «م» و ۵ بار تکرار | m | جلب نظر می‌کند. (۲۱)

واج آرایی «ع»

نمونه در قرآن کریم:

اذا سالک عبادی غنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان: بقره، آیه ۱۸۶
«چون بندگان، مرا از تو پرسند، من نزدیکم و خواندن آنانرا پاسخ می‌گویم هرگاه که مرا می‌خوانند». (۲۲)

در این آیه که علامه سید محمد حسین طباطبایی در تفسیر المیزان از آن به «الطف الایات» یعنی لطیف‌ترین آیات قرآن کریم یاد کرده است، حرف کم بسامد «ع» ۵ بار آمده است.

نمونه در دیوان منوچهری:

روح رؤسا ابو ربیع بن ربیع	او سخت بدیع و کار او سخت بدیع
چون او به جهان در، نه شریف و نه وضع	زیرا که شریفست و لطیفست و منبع (۲۳)

حرف «ع»، ۶ بار آمده است.

واج آرایی حرف «ک» و «م»

نمونه در قرآن کریم: (واج آرایی ک و م)

«و مَكْرُوا و مَكْرُوا اللّٰهَ و اللّٰهَ خَيْرُ الْمَاكِرِيْنَ» ال عمران، آیه ۵۴

و آیه «كذالك زين للكافرين ما لا نوا يعلمون و كذالك جعلنا في كل قرية اكابر مجرميها ليمكرو فيها و ما يمكرون الا بانفسهم» انعام، آیه ۱۲۳، در آیه اخير «ك» ۱۰ بار آمده است.

مثال از منوچهری دامغانی در واج آرایی «ک» و «م»

ملکی کش ملکان بومه به اکلیل زنند	میخ دیوار سراپرده به صد میل زنند
سلکی کو ملکان را سر مایه شکند	لشگر چین و چگل را به طلایه شکند

چون ملک با ملکان مجلس می کرده بود پیش او بیست هزاران بت نو برده بود (۲۴)

|k| ده بار و |m| ۱۱ بار آمده است. و ۱۰ واژه مصدر به «م» آمده است.

نمونه از قرآن کریم: «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا» فجر آیه ۲۱ در این آیه ک |k| هفت بار آمده است.

مثال از منوچهری: واج آرایی ک |k|

آمد آنگاه چنانچون متکبر ملکی تا ببیند که چو بودست به هر کودکی (۲۵)

«ک» ۶ بار آمده است.

واج آرایی حرف، ن

نمونه در قرآن کریم:

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ، اعراف، آیه ۲۳

که |n| ۱۳ بار به کار رفته است.

مثال از منوچهری دامغانی:

سندس رومی در نارونان پوشاندند خرمین مینا بریید بنان افشاندند

زند وافان بهی زند بر خواندند بلبلان وقت سحر زیر و دهان جنباندند.

در این دو بیت |n| ۲۲ بار آمده است.

زبان ز گفته فرو ماند و راز دل باقی است بضاعت سخن اخر شد و سخن باقی است.

(عرفی شیرازی)

یادداشتها:

۱ - دکتر سید محمد دبیر سیاقی، تصویرها و شادیهها و گزیده اشعار منوچهری

دامغانی، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۳، ص ۷،

۲ - ترجمه آیات در این مقاله از این کتاب برگرفته شده است: خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید از کشف الاسرار ده جلدی، اثر خواجه عبدالله انصاری، تألیف امام احمد میبدی، نگارش حبیب اله آموزگار، چاپ سوم، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۵۹.

۳ - خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید (پیش گفته)، ج ۲، ص ۲۹۸.

۴ - برای مطالعه نمونه هایی از واج آرایی در شعر عربی می توان به این کتاب رجوع کرد: برگزیده الاغانی، جلد اول، تألیف ابوالفرج اصفهانی، ترجمه، تلخیص و شرح از دکتر محمد حسین مشایخ فریدنی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.

۵ - احمد سمیعی، کلام و پیام حافظ، (مندرج در) برگزیده مقاله های نشر دانش در باره حافظ، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۴۱.

۶ - دیوان سلمان ساوجی، با مقدمه دکتر تقی تفصلی، به اهتمام منصور مشفق، انتشارات صفی علیشاه، چاپ دوم، ۱۳۶۷، ص ۷۷.

۷ - دیوان سلمان ساوجی (پیش گفته)، ص ۱۰۳.

۸ و ۹ - حسینعلی هروی، نظری به کلام و پیام حافظ «نقد مقاله احمد سمیعی»، مندرج در برگزیده مقاله های نشر دانش در باره حافظ، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۵، ص ۹۸.

۱۰ - همان منبع، ص ۹۸.

۱۱ - حسینعلی هروی، نقد و نظر در باره حافظ، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۷۱.

۱۲ - خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید (پیش گفته)، ص ۷۷.

۱۳ - دیوان منوچهری دامغانی، بکوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، کتابفروشی زوار، تهران، چاپ سوم، ۱۳۴۷، ص ۱۴۷.

۱۴ - دیوان منوچهری دامغانی (پیش گفته)، ص ۱۷۴.

۱۵ - سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۸

شمسی، قسمت دوم از مجلد آخر (جزء سی ام)، ص ۳۱۹.

۱۶ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱-۲.

۱۷ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱۶۴.

۱۸ - همانجا، ص ۱۹۴.

۱۹ - همانجا، ص ۱۹۶.

۲۰ - همانجا، ص ۱۸۳.

۲۱ - احمد سمیعی، کلام و پیام حافظ (پیش گفته)، ص ۴۲.

۲۲ - تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید (پیش گفته)، ج ۱، ص ۷۵.

۲۳ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱۸۴.

۲۴ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱۹۰.

۲۵ - همان جا، ص ۱۶۱.

۲۶ - همان جا، ص ۱۸۶.

سبک و درون‌مایه شعر منوچهری

ابوالقاسم رادفر

ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد المنوچهری دامغانی که عوفی او را

شاعری "اندک عمر و بسیار فضل" یاد کرده، در حدود اواخر قرن چهارم یا سالهای

نخستین قرن پنجم دیده به جهان گشود. تاریخ فوت او را ۴۳۲ هـ. ق نوشته‌اند.

عنوان شعری منوچهری گویا از نام منوچهر بن قابوس و شمشگیر گرفته شده که در

گرگان و طبرستان، در زمان محمود و مسعود غزنوی حکومت می‌کرده است.

«دیوان او شامل ۵۷ قصیده، ۱۱ مسمط، ۲۰ قطعه و تعدادی سروده‌های کوتاه

است. او نخستین و یگانه مداح کهن دوران غزنویان است که خاورشناسان آثارش را

بادقت مورد توجه قرار داده‌اند. دیوان او در سال ۱۹۱۹ در اروپا انتشار یافت.»

با اینکه نسخه‌های دیوانش چندان فراوان نیست، لکن ا.دو بیبرستین کازیمیرسکی

A.De Biberstein Kazimirski آن را ترجمه‌ای کامل و مقدمه‌ای تاریخی و

توضیحات بسیار مفید در پاریس به طبع رسانیده است.»

سبک و شیوه منوچهری تا حدودی با اسلوب شاعران خراسان دوره او متفاوت

است. «از بعضی جهات او رومی توان پیشاهنگ شاعران عراق شمرد. آزادی در

استعمال لغتها و ترکیبهای تازی و اصرار در آوردن تشبیهات تازه، به اسلوب او

صبغه تجدد می‌بخشد. ذوق و زبان فرخی که سادگی بیان دهقانان خراسان را به یاد

می‌آورد در زبان او نیست. آن استواری و جافتادگی سخن عنصری را نیز که منطبق و

علم آن را ورزیده است فاقد است. زبانی شیرین اما درشت و ناهموار است و رایحه

فضل فروشی از آن شنیده می‌شود. مثل یک "مائده آسمانی" شیرین و اعجاز‌آمیز اما